

غسان حمدان مترجم آثار فارسی به عربی

قرنها تبادل فرهنگی ایران و اعراب قطع شده بود



لطفاً از تجربه‌ی خود درباره‌ی ترجمه زمان‌های فارسی بگویید.

پیش از این که دست به کار ترجمه ادبیات داستانی شوم، گزیده‌هایی از اشعار فروغ و سهراب و شاملورا ترجمه کرده بودم. راستش آن موقع تازه به سوریه رسیده بودم و از هر که می‌پرسیدم چیزی از ادبیات ایران به جز صادق هدایت نمی‌دانستند. این که آثار هدایت را خوانده باشند، فقط اسمش را شنیده بودند. به هر حال کم‌کم از شعر بریدم و به ترجمه کارهای داستانی جلال آل احمد مانند «چه مردم» و «زن زیادی» و «سمنویان» پرداختم. البته یافتن ناشر در سوریه در آن زمان کار دشواری بود. ادبیات ایران ناشناخته بود و اقدام به چاپ آن برای ناشران ریسک به شمار می‌رفت. برای همین مجبور شدم به وزارت فرهنگ سوریه که انتشارات هم داشت مراجعه کنم. آنها استقبال کردند. رمان «چشمه‌پاش» نخستین رمانی بود که منتشرش کردم. آن زمان خوب استقبال شد. مدت قرار داد کوتاه بود. پنج ساله، البته این شامل همه کتاب‌های این ناشر دولتی بود. درست ده سال از آن زمان گذشت. به هر حال، پس از انتشار رمان مشغول تدریس ادبیات فارسی شدم و دیگر وقتی برای ترجمه نماند. بهار عربی به دمشق رسید و مجبور به ترک سوریه شدم. در عراق بار دیگر به ترجمه رو آوردم. بخاطر همین رمان «چشمه‌پاش» معروف شدم. «روی ماه خلدوند را ببوس» را به ناشر مصری سپردم. یک ناشر لبنانی هم دنبال من بود تا «البعضه لاسلامیه» هدایت را ترجمه کند. این کتاب باز تاب فراوانی در رسانه‌های عرب داشت. ترجمه «همنویان» شبانه از کسب و کارهای رضا قاسمی کار سختی بود. تخیلات و توهمات شخصیت داستانی پیچیده بود. با کمک خود نویسنده که لطف کرد و به سوال‌های متعددم هنگام ترجمه پاسخ داد، توانستم از پس این کار بربیایم. اگر کمی دقت کنیم این ترجمه‌ها بیشتر هنگام تغییر محل اقامت در کشور جدید صورت گرفته است. پس از استقرارم در عراق، تعداد ترجمه‌هایم بیشتر شده. امیدوارم بتوانم بیست رمان دیگر جهت معرفی ادبیات ایران، ترجمه کنم.

بر اساس چه ضوابطی یک رمان را ترجمه می‌کنید؟ آیا ویژگی خاصی مدنظر تان است؟

اگر بگویم فقط رمان‌های معروف را ترجمه می‌کنم، در حق بسیاری از کارهای ادبی اجحاف کرده‌ام. «روضه قاسم» آقای چهلتن اسلام معروف نبود. توقیف شده بود و تقریباً کسی آن را خوانده بود. همین طور رمان «این سگ می‌خواهد کسانا را بخورد» که فوراً پس از چاپش ترجمه‌اش کردم. به طور کل، رمان تاثیرگذار مدنظر من است. اما

بسیاری از اشعار و رمان‌های فارسی را به عربی ترجمه و منتشر کرده‌است. همچنین ترجمه شش رمان دیگر را به پایان رسانده که به زودی منتشر خواهند شد. حمدان از زبان عربی (عراقی و مصری) نیز، دو رمان به فارسی برگردانده است. همچنین حمدان، محقق و پژوهشگر نیز است که در زمینه‌های جامعه‌شناسی، تصوف، ادبیات و تاریخ، پژوهش‌هایی چون: گفتگوی تمدن‌ها از دید جامعه‌شناسی ایرانی، تاریخ جامعه‌شناسی در ایران، مشروعیت نظام دموکراسی، جهانی‌سازی از دید اقتصاد، آزاد سهروردی در حکمت‌الاشراق، نور و فرشتگان از دید سهروردی، یادداشت‌هایی درباره دین زرتشت، تصوف در سرزمین شام و دهها مقاله درباره شعرا و نویسندگان ایرانی در نشریات مختلف منتشر کرده‌است.



گفت‌وگو شوکا حسینی

غسان حمدان، متولد سال ۱۹۷۳ در بغداد است. اما دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در ایران گذرانده‌است. او تحصیلات خود را در مدارس و دانشگاه‌های ایران آغاز کرده و پس از سال ۱۹۹۹ به سوریه رفته و در یکی از مؤسسات انتشاراتی دمشق، به کار ویرایش و سپس ترجمه اشعار و رمان‌های فارسی پرداخت. در همین سال‌ها او در

دانشگاه و مرکز زبان‌های خارجی دمشق به آموزش زبان فارسی مشغول شد. اما پس از شروع ناآرامی‌ها در سوریه به عراق رفت و به‌عنوان نویسنده و تهیه‌کننده تلویزیون در آنجا مستقر شد و هم‌اکنون به کار ترجمه رمان‌های فارسی، عربی و همچنین نوشتن رمان مشغول است. حمدان اولین رمان خود را به نام ریمورا (لجن‌خوار) در سال ۲۰۱۵ در مصر منتشر کرد و تاکنون نیز تعداد



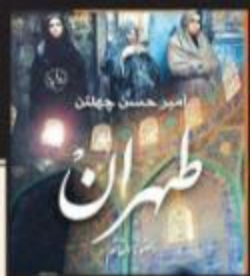
شماره دوم

مهر ماه ۱۳۹۶
oct 2017
دوره جدید
شماره دوم



مهمان نامه

این صفحه در هر شماره میزبان ادیب یا هنرمندی شیر ایرانی است که مهمان تهران است. «مهمان نامه» با معرفی و گفت‌وگو با وی منتشر می‌شود.



طهران یا روضه قاسم
قاهره

نشر دارالریبع العربی / ۲۰۱۴



بصحه الریح
لبنان

نشر دارالجمیل / ۲۰۱۴



کتاب‌شناسی یک مترجم